



مادری هنوز

دخترانگی اش را

در آغوش می کشد

گوهری در صدف

سینمای ایران

معصومه آشتیانی زاد:

رسانه بهترین جا برای بازتاب

خانواده ایرانی است

محمود بابایی:

وجوه معرفت در خانواده ایرانی

گفت و گوی صبا با حسین دارابی

تاثیر نقش زنان در زندگی

آدم‌های بزرگ

گفت و گوی صبا با محسن اسلامزاده

طرد شدگان همیشگی

در جامعه!

اتحادیه جهانی فیلمسازان

خانواده محور

چرا جشنواره

فیلم حوا مهم است؟

نقش زنان در سینمای دهه نود

زن، خانواده و سبک زندگی

ایرانی - اسلامی

گفت و گوی صبا با تهیه کننده فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا»

روابط عاطفی مادر و فرزند

با درون مایه عشق

سرمقاله

اتحادیه جهانی فیلمسازان خانواده محور



مرضیه فرزعلیان

برگزاری جشنواره بین المللی فیلم حوا در تهران و شهرستان‌ها آن هم با موضوع زن و خانواده می‌تواند سرآغاز جریانی در تولید آثاری باشد که به موضوع خانواده از درچه کاملاً تازه‌ای نگاه می‌کند. اما جشنواره فیلم حوا می‌تواند منشا اتفاقات بسیار بزرگتری هم باشد. از آنجا که این جشنواره به زندگی بخش بزرگی از مردم جامعه می‌پردازد این ویژگی را دارد که محیط بزرگتری را در حوزه فرهنگ و هنر با موضوع بانوان کشور پوشش دهد. بخش بزرگی از جامعه ما را زنان و بانوان تشکیل می‌دهند و سینما به عنوان یک رسانه مسلط و جهانی این قابلیت را دارد که منعکس کننده آرزوها، دردها، شادی‌ها و فراز و فرود زندگی زنان در جغرافیا و فرهنگ‌های مختلف باشد. اما آیا سینما از تمامی ظرفیت‌هایش برای انجام این مهم بهره گرفته و در خدمت بازروایی زندگی زنان در گوشه و کنار دنیا بوده است؟ واقعیت این است که سینما راه درازی برای رسیدن به نقش رسانه‌ایش در این حوزه دارد. سینما هر چقدر در نشان دادن قهرمان زن دلخواهش موفق و دست و دل‌باز بوده در نشان دادن چهره واقعی زن در گوشه و کنار دنیا، زبان الکن و روایت گسسته‌ای داشته است. تا آنجا که می‌توان گفت سینما اساساً آنگونه که باید به این حوزه ورود نکرده است. درباره اهمیت برگزاری جشنواره حوا گفتیم و اینکه این جشنواره می‌تواند سرآغاز حرکتی باشد که همه نگاه‌ها را متوجه معضلات ریز و درشت جامعه زنان در کشورهای مختلف کند. شنیده‌ها حاکی از این است که قرار است بواسطه این جشنواره اتحادیه جهانی فیلمسازان خانواده محور شکل بگیرد. زن و خانواده می‌تواند همچنان یکی از مهمترین آوردگاه‌های انسان امروزی باشد. در همه جای دنیا خانواده مهمترین عنصر حیاتی جامعه ذکر شده است. خانواده یک تعریف و تشخیص جهانی دارد و این تشخیص هیچ ربطی به مذهب، سیاست، جغرافیا، قوم، زبان، فرهنگ و... ندارد. خانواده به خودی خود در هر جامعه‌ای از مهمترین ارکان شکل دهنده مدنیت محسوب می‌شود. بدون خانواده، منهنیات، اخلاقیات و مذهب هیچ شانسی برای بقا و حیات ندارند و زن به عنوان مهمترین عنصر خانواده نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری و سامان‌دهی آن دارد. بازشناسی و بازتعریف نقش زن در دنیای امروز، چه در خانواده و چه در اجتماع می‌تواند اثرگذاری و نقش او را در این نظام شگفت‌انگیز به ما یاد آور شود. خانواده در همه نقاط جهان، تعریف‌های نزدیک به هم و یکسانی دارد. در کشورهای شرقی مثل ژاپن، چین، کره جنوبی، اندونزی و... چه در کشورهای مسلمان مانند لیبی، عربستان، عراق، عمان، ایران و... چه در کشورهای آفریقایی مثل کنیا، آفریقای جنوبی، ساحل عاج و... چه در کشورهای پیشرفته‌ای مثل آمریکا و اروپا، خانواده امن‌ترین جایی است که به انسان آرامش و آسایش توأمان می‌بخشد. در سال‌های گذشته سینما به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای رسانه‌ای و در دسترس‌ترین آنها کمتر به این حوزه ورود کرده است در حالی که قابلیت‌ها و جایگاه زن و خانواده در همه جوامع آنقدر شناخته شده و معتبر است که بی‌نیاز از هر سخن اضافه‌ای است. بررسی دوباره جایگاه سینما و نقش آن در تعالی بخشی فرهنگ زن و خانواده می‌تواند به فهم بهتر موضوع کمک کند. تشکیل اتحادیه جهانی فیلمسازان خانواده محور در ایران، منطقه و جهان می‌تواند یکی از فرازهای برپایی نخستین جشنواره فیلم حوا باشد. یادمان نرود بزرگترین هدف‌ها، با گام‌های کوچک و خرد محقق شده است...

چرا جشنواره فیلم حوا مهم است؟



برای ایجاد گفتگویی نو است. این اتفاق بزرگی است که می‌تواند در ساخت سینمای غالب جهان، میزانشن کاملاً جدیدی به کاراکتر قدیمی زن در سینما بدهد. اگر جشنواره فیلم حوا بتواند حرکت تازه‌ای در بدنه سینمای ایران ایجاد کند و نگاه تازه‌ای در مقوله زنان به سینمای ما اضافه کند - که به حقیقت وجودی زن امروز نزدیک باشد - به همان اندازه می‌تواند کشف و شهودی را باعث شود که پیش از این در سینمای ما اتفاق نیفتاده است. خوشبختانه مسایل زنان، مسایلی جهانی هستند و با اینکه صورت برخی از این مسایل و مشکلات با یکدیگر متفاوت است بعضاً ماهیت این مسایل به شکل غریبی به یکدیگر نزدیک است. اما سینما کمتر به اینگونه مسایل ورود کرده است. برای سینمای جهان همواره «تجارت» و «سیاست» در اولویت بوده است این سینما در همه مسایلی مهمی که ورود کرده همیشه این دو مساله را سرلوحه خود قرار داده و از آن عدول نکرده است. در سینمای جهان نمونه‌های اندکی پیدا می‌شوند که خارج از قواعد رایج سینما امکان ساخت پیدا کرده باشند و موضوع زنان از آن دست مواردی بوده که همواره مورد مناقشه بوده است. به اینها اضافه کنید که در نگاه شرق و غرب، پاره‌ای از مسایل به شکل بنیادین با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت را گزاره‌هایی مانند دین و عرف و منهنیات به شدت پرتنگ می‌کنند. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده که نگاه جامع‌تری به آثاری که در حوزه تصویر با موضوع زنان ساخته می‌شوند، داشته باشیم و به موضوع نگاه تازه‌تری بکنیم و تلاش تصویری گویاتر، به روزتر و نزدیک به حقیقت از چهره زن در زمانه کنونی بر پرده سینماها تابانده شوند. همه مساله همین است!

آسیه ترابی - جشنواره فیلم حوا در بحبوحه غوغایی که در جهان بر سر موضوع زن در خانواده و اجتماع به راه افتاده، برگزار می‌شود. جشنواره‌ای که می‌کوشد تصویر تازه‌ای از سیمای زن در جامعه و خانواده به دست دهد. زنان بخش قابل توجهی از جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند و اینگونه که آمارها می‌گویند بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان در جوامع مختلف بی‌پاسخ مانده یا توسط رسانه‌های مختلف صورت این خواسته‌ها و نیازها به انحراف کشیده شده است. سینما یکی از رسانه‌های قدرتمندی است که با وجود همه ظرفیت‌هایش به موضوع زنان آنگونه که دلخواهش بوده ورود کرده است. سینما در موضوع زنان به شکل آشکارا دچار کژتابی‌هایی شده که پرداختن به یکایک آنها از حوصله این مطلب خارج است. اما به طور ضمنی می‌توان به استفاده‌های تجاری بی‌پایانی که سیستم سینمای جهان از مقوله زن کرده، اشاره کرد. سینمای غالب که بخش بزرگی از تولیدات جهان را نمایندگی می‌کند عموماً زن را در ساخت‌هایی دیده که یا ماورایی و تخیلی بوده‌اند و یا در بستر داستان‌هایی روایت شده‌اند که زمینه اصلی آنها کشش‌های جنسی و اغواگرانه بوده است. با این دست فرمان سینمای غالب جهان، به این منزل رسیده است. تصویری که پس از یک قرن از برآیند آثار تجاری و هنری سینمایی در حوزه زنان به ذهن متبادر می‌شود، ملغمه‌ای از اعوجاج و سردرگمی و تحیر است. البته که تصویر خوشایندی نیست. کشف بزرگی هم نخواهد بود اگر بگوییم در این بلبسوس، جشنواره‌ای مثل جشنواره فیلم حوا می‌تواند مانند هوای تازه‌ای باشد که به دنبال مفری تازه



مادری که هنوز دخترانگی‌اش را در آغوش می‌کشد

ثریا قاسمی، در ۲۸ آذرماه سال ۱۳۲۹ در محله سقاباشی بازارچه، خیابان ایران، حوالی میدان ژاله تهران، در خانه‌ای قدیمی و بزرگ به دنیا آمد. او تنها فرزند هنرمند پیشکسوت و مردم‌دار حمیده خیرآبادی و حسین ملاقاسم است. در چهار سالگی از طریق مادرش با تئاتر آشنا شد و این مقدمه آغاز ورود او به دنیای هنر بود. تا مقطع دیپلم تحصیل کرد و رشته‌های مختلف هنری را امتحان کرد تا اینکه، در همان سال‌های جوانی فهمید نه موزیسین است و نه نقاش، او تصمیم گرفت صدای پیشه و بازیگر باشد. در سال ۱۳۴۰ در ۲۱ سالگی برای رادیو آرش تست گویندگی داد و بعد از قبولی کار گویندگی خود را در رادیو، با خواندن دلنوشته‌های سربازی برای مادرش، شروع کرد. ثریا عاشق رادیو است و معتقد است که هر چه دارد از رادیو دارد. هم سن و سالی خودش با رادیو باعث شده است که او رادیو را خواهر بزرگتر خود بداند. دهه ۱۳۴۰ برای او دوره مهمی بود. آموزش در کنار استاد حمید سمندریان و همکاری با پیشکسوتانی چون محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی، جمیله شیخی، سعید پورصمیمی و... او را از نظر تجربه‌های هنری بارور کرد. وقفه پس از انقلاب در تولیدات هنری، او را مانند بسیاری از هم‌دوره‌هایش از سال‌های طلایی حرفه‌اش محروم کرد تا زمانی که همه چیز سر جای خودش قرار گرفت، و قاسمی چشمانش را باز کرد و دید که باید نقش مادر بزرگ را بازی کند. وی در توضیح این اتفاق گفته است: در سینما و تلویزیون پیر شدم. او برای نقش آفرینی در «مارال» برنده سیمیر بلورین بهترین بازیگر زن و برای «ویلاهی‌ها» توانست سیمیر بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل جشنواره فجر را کسب کند. ثریا قاسمی بیش از پنج دهه است که در عرصه سینما و تلویزیون ایران حضور اثرگذاری را تجربه می‌کند و البته که در همه این سالها کوشیده کیفیتی بالا از هنر بازیگری خود را ارائه کند. او از جمله بازیگرانی است که تقریباً اغلب کارگردانانی که نیاز به بازیگری شش‌دانگ و درجه یک برای سپردن کاراکترهای مادران دارند به سراغ وی می‌روند. ثریا بازیگر توانمند، و دختر یکی یک‌دانه حمیده خیرآبادی است که مادرانگی و دخترانگی هر دو در وجودش به یک اندازه رشد کرده‌اند. چشم‌های او هنوز دختری تنهایی را به تصویر می‌کشد که به یک‌باره مادر شد. مادری از جنس ایران، که هنوز دخترانگی‌اش را به آغوش می‌کشد.



معصومه آشتیانی زاد کارشناس حوزه خانواده:

رسانه بهترین جابرای بازتاب خانواده ایرانی است

معصومه آشتیانی زاد، مدیر اسبق گروه خانواده شبکه دو سیما و کارشناس حوزه خانواده، درباره نخستین جشنواره بین المللی فیلم حوا به دبیری مهدیه سادات محور که با نمایش ۴۰ فیلم سینمایی، کوتاه داستانی و مستند از ۲۰ تا ۲۳ تیر ماه ۱۴۰۲ در ۱۳ استان کشور با محوریت سینما، زن و خانواده در سینما فرهنگ برپاست، عنوان کرد: بسیار خوشحال و خرسند شدم که این جشنواره بعد از سالها، بالاخره برگزار شد. ما و همچنین فعالان حوزه زن و خانواده پیش از این هم انتظار داشتیم که چنین جشنواره‌ای برگزار شود. خصوصا رسانه‌های ما نیز تاکید داشتند که چنین رویدادی برگزار شود، با اینکه چنین جشنواره‌ای دیر صورت گرفته است اما به هر حال همین که انجام شده است جای خوشحالی دارد البته چون سال اولش است نمی‌شود از آن انتظار بالایی داشت. چرا که قاعدتا در سال اول و نخستین دوره چنین رویدادهایی، آثاری که مخصوص جشنواره باشند ساخته نشده‌اند و صرفا اکران کارهای عمومی هست که موضوعات آن آثار مرتبط با محوریت جشنواره است.

این کارشناس حوزه خانواده تصریح کرد: داوران و هیات انتخاب جشنواره معمولا آثار را با همین رویکرد انتخاب می‌کنند و در جشنواره ارائه می‌دهند ولی وقتی که چند سال از برگزاری آن بگذرد کارهای خاص این موضوع نیز ساخته می‌شود که حتما می‌توان بیشتر روی آن قضاوت کرد اما کارهایی که الان برای اکران در دوره نخست جشنواره فیلم حوا ارائه شدند کارهای خوبی از لحاظ سینمایی هستند و آثار حرفه‌ای محسوب می‌شوند ولی اشکالی که وجود دارد این است که فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی که ساخته می‌شود و حتی در سال‌های گذشته نیز ساخته شده‌اند معمولا بر اساس آسیب‌هایی که در حوزه خانواده وجود دارد، ساخته می‌شوند و ژانرهای شان هم اکثرا درام است و یک مقدار تلخ است.

او افزود: در واقع آثار حوزه خانواده به موضوعاتی چون طلاق، خیانت، مسائلی مثل اعتیاد و مشکلاتی که در خانواده‌ها وجود دارد می‌پردازند که البته با نیت خیر چنین آثاری ساخته می‌شوند چرا که می‌خواهند به خانواده‌ها راه حل نشان دهند و مواجه آن‌ها را با چالش‌های زندگی به تصویر بکشند ولی به هر حال آثاری هستند که تلخی‌ها را بیشتر نشان می‌دهند. اما آسیب بزرگی دارند و آن هم این است که اکنون در کشور ما بحث ازدواج خیلی کم شده است، در واقع سن ازدواج بالا رفته و ازدواج‌ها دیر هنگام شده‌اند. هنگامی که جوانان ما چنین فیلم‌هایی را می‌بینند، آن تصویری که از خانواده دارند، تصورات منفی و توأم با مشکلات و مسائل درون خانوادگی است و صرفا آسیب‌ها را می‌بینند که این منجر به تشویق نشدن جوانان به منظور تشکیل خانواده و استحکام خانواده است و یقینا با چنین شرایطی انگیزه‌ای برای جوانان کشور در جهت ازدواج ایجاد نمی‌شود. آشتیانی زاد پیشنهادی را به منظور تشویق جوانان در چنین

رویدادهایی عنوان کرد و گفت: در سال‌های آتی سیاستگذارانی که چنین جشنواره‌هایی را برگزار می‌کنند در این جشنواره‌ها مشوقانی را برای آثاری که زیبایی‌های خانواده را نشان می‌دهند قرار دهند. در آثاری که با موضوعات خانواده و زن تولید می‌شوند می‌تواند یک درام شکل بگیرد اما در این درام مشکل و آسیب را خود خانواده با همت خود برطرف کنند و نشان دهند در عین وجود مشکلات همان خانواده هستند که حمایتگرند و عشق و علاقه باعث حل موضوعات‌شان می‌شود. اگر به هم‌چنین موضوعاتی در آینده پرداخته شود و فیلم‌های سینمایی به صورت زیر پوستی و غیر مستقیم مشوق جوانان باشد و زیبایی‌های خانواده بر مشکلات و آسیب‌ها غلبه پیدا کنند، شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود. جشنواره فیلم حوا نیز می‌تواند نقطه شروع خوبی در آینده باشد و ما امیدوار باشیم که در سینما و یا تلویزیون اتفاقات خوبی رقم خواهد خورد.

مدیر اسبق گروه خانواده شبکه دو سیما در جهت استمرار جشنواره حوا، پیشنهادی را مطرح کرد: به هر حال خوشبختانه رویکرد کلی نظام همین است که به مساله زن و خانواده با محوریت زن اهمیت دهند و اگر که به هر حال مطالبه وجود داشته باشد از مسئولان آن‌ها نیز پیگیری می‌کنند. هم‌چنین می‌توان در صحبت‌هایی که مقام معظم رهبری با رویکرد زن و خانواده می‌کنند متوجه تاکیدشان بر روی بنیان و تحکیم خانواده شد و در کل ما یک نظامی هستیم که استواری‌مان بر پایه خانواده است و در اصول اعتقادات و در تاریخ و گذشته ایران خانواده جایگاه والایی داشته است. اگر روی این مطالبات بایستیم یقینا این جشنواره‌ها ادامه‌دار خواهند بود.

آشتیانی زاد تاکید کرد: تا کنون اینگونه نبوده است که رهبری مطلبی را گفته باشند و بعد تمام شده باشد، مسئولان دائما در حال مطالبه هستند تا کارهای لازم در حوزه خانواده انجام شود. همیشه هم تاکید شده است که رسانه بهترین جا است تا که بازتاب خانواده ایرانی را نشان دهدیم و بتوانیم مخاطب و مردم را رهبری و راهنمایی کنیم. در این حوزه می‌بایست مرتباً مطالبه صورت گیرد کما اینکه این جشنواره حوا هم مطالبه چندین ساله حوزه زن و خانواده بوده و بارها در جلسات درباره برپایی چنین رویدادی صحبت شده است. او در پایان اذعان داشت: ما خودمان نیز برپایی چنین رویدادی در وسعت کمتری را از دانشکده صداوسیما آغاز کردیم و جشنواره کوچکی بود چون آن هم زمان برد تا جاییفتند و دانشجویان از تولید آثار در آن قالب معین استقبال کنند پس اگر مطالبات جواب دهد این جشنواره‌ها استمرار پیدا می‌کند. نهایتا جشنواره‌های فجر و غیره سعی می‌کنند با چنین موضوعاتی جلو بروند تا سازندگان آثار نیز ترغیب به ساخت در حوزه‌های مشخص شوند و آن را به جشنواره‌هایی چون جشنواره حوا نیز ارائه‌دهند.



محمود بابایی تهیه کننده فیلم بدون قرار قبلی: وجوه معرفت در خانواده ایرانی



بدون قرار قبلی فیلمی به کارگردانی بهروز شعبی محصول ۱۴۰۰ ایران است. این فیلم که ششمین فیلم بلند شعبی در مقام کارگردان است و فیلم‌نامه آن توسط فرهاد توحیدی و مهدی تراب‌بیگی با نگاهی به یکی از داستان‌های مصطفی مستور نوشته شده است گروه بازیگرانی که در این فیلم نقش پردازی کرده‌اند شامل پگاه آهنگرانی، مصطفی زمانی، الهام کردا، حامی ترابی، رضا صابری، امین میری، محمد کیانی، عرفان ابراهیمی و صابر ابر می‌شود. بدون قرار قبلی در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر برنده دو جایزه شد. خبرنگار صبا به مناسبت حضور این فیلم در جشنواره حوا به سراغ تهیه کننده فیلم، محمود بابایی رفت. ایشان در پاسخ به اینکه فیلم بدون قرار قبلی با چه رویکردی نسبت به موضوع زن و نظام خانواده در جشنواره فیلم حوا حضور دارد پاسخ داد: اساسا این فیلم با همین دغدغه ساخته شده است و توضیح می‌دهد که خانواده در جامعه ایرانی از مهمترین نظام‌های پایه ریز و انسان ساز در فرهنگ ایرانی است. در این فیلم ش قهرمان قصه شخصی است که اصالتا ایرانی است اما بنا بر اقتضاعاتی به مدت زیادی سال از جامعه و فرهنگ ایرانی دور مانده است و زیست در یک فرهنگ و خانواده غربی را تجربه کرده است اما در ادامه با بازگشت به ایران و قرار گیری در خانواده ایرانی با فرهنگ‌های خاصه به خود، حال خود را رو به بهبود می‌بیند و همین امر باعث شکل گیری معرفتی در نگاه او نسبت به زندگی می‌شود. شخصیت قصه در مدتی که با خانواده اصلی خود در ایران زندگی می‌کند به شکل غیرباوری می‌بیند که بسیاری از مشکلات و ناراحتی‌های همیشگی‌اش مرتفع شده است. علاوه بر این در فیلم شاهد تعامل و ارتباط خانواده‌ها با یکدیگر هستیم که چگونه در یک ارتباط زنجیره‌ای قرار گرفته و تعاملات خود را با کمترین ضریب آسیب با هم تنظیم می‌کنند. این فیلم در رهگذر از قصه‌ای عمیق، مقام فرهنگی خانواده ایرانی را در تطبیق با نظام خانواده در غرب قرار داده است.



ده اجرای پایانی نمایش «هفت خان اسفندیار» خرید بلیط از: ایران کنسرت

گفت و گوی صبا با تهیه کننده فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا»

روابط عاطفی مادر و فرزند با درون مایه عشق

فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلی عاج و تهیه کنندگی جلیل شعبانی محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که از زاویه‌ای متفاوت به حضور منافقین در پادگان اشرف می‌پردازد. این فیلم با هنرنمایی ژاله صامتی، وحید آقاپور و ... ساخته شده است، لیلی عاج در اولین تجربه خود از مشورت کمال تبریزی در کارگردانی استفاده کرده است. خبرنگار روزنامه صبا با تهیه کننده و کارگردان این فیلم به گفتگو نشست که در ادامه می‌خوانید.

لیلی عاج:

اگر امشب نیام فیلم این دختر خراب میشه

لیلی عاج متولد سال ۱۳۵۷، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان، تحصیلات خود را مقطع کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی به اتمام رسانده و دوره تکمیلی فیلم‌سازی در انجمن سینمای جوانان ایران را پشت سر گذاشته است. از نمایش‌هایی که این نویسنده در آنها به عنوان دستیار کارگردان حضور داشته باید به «قرمز و دیگران» و «گل‌های شمعدانی» اشاره داشت. همچنین این کارگردان تاکنون نمایش‌هایی چون «شب»، «باله روی سطرهای بی‌معنی»، «فکاهی نامه یک زن»، «خواب زمستانی» و «قند خون» را تولید کرده است که هر کدام از نمایش‌ها جوایزی را در جشنواره‌هایی تئاتر دانشگاهی و تئاتر شهر کسب کرده‌اند. این کارگردان در حوزه فیلم کوتاه و تلویزیون فعالیت داشته است که باید از ساخت فیلم‌های کوتاه «پاییز»، «همین»، «هیره وس»، «زن خط تیره مرد» و «هرچه تو را به یاد من بباندازد زیباست» نام برد.

از فعالیت‌های وی در مدیوم تلویزیون و در سمت‌هایی به عنوان نویسنده و کارگردان، مدیر تولید و دستیار تهیه فعالیت داشته و نویسنده مجموعه‌هایی چون «مامان گلایبی»، «ترمه طلا»، «بازار نیم‌رخ»، «مثبت من»، «نگین کمان»، «دنای تابستان» و ... بوده است. به بهانه اولین حضور وی در جشنواره فیلم فجر خبرنگار صبا با وی به گفت و گو نشست.

از شکل‌گیری ایده اولیه بگویند و اینکه چه مدت زمانی صرف نگارش فیلمنامه شده و چند بار مورد بازنویسی قرار گرفته است؟

یک عکس از خانواده‌هایی که فرزندان‌شان در فرقه رجوی اسیرند، دیدم! خانواده‌هایی که جلوی درب‌ها منتظر دیدار با فرزندان‌شان هستند. به نظر من این رخدادگاه برای روایت داستان بر اساس سوژه سازمان منافقین، متفاوت بود. مادری که پای سیم‌خاردار به انتظار نشسته‌اند تا بچه‌های‌شان را ببینند. این تصویر در برخورد اول برای من یادآور نمایشنامه شیون و استغاثه پای دیوار بزرگ شهر بود. در نهایت طرح نمایشنامه‌ای را بر اساس همین موضوع نوشتم که در انتشارات نمایش با نام «بابا آدم» چاپ شد و سال ۱۴۰۰ از طرف تئاتر شهر پیشنهاد دادند که این نمایشنامه را روی صحنه ببرم. در مدتی که نمایش روی صحنه بود با توجه به اینکه یک سیناپس سینمایی هم از این داستان

آماده کرده بودم دوست داشتم کسی این نمایش را ببیند و بپذیرد که نسخه سینمایی اثر ساخته شود. لطف خداوند شامل حال من شد و سازمان اوج پذیرفت و به یک کار اولی تئاتری اعتماد کردند. نهایتاً حدود شش ماه نگارش فیلمنامه زمان برد و در طول این مدت چند بار هم مورد بازنویسی قرار گرفت.

دکوپاژ اثر را قبل از فیلمبرداری انجام داده بودید و یا به شکل دکوپاژ سر صحنه عمل کردید؟

خوشبختانه یکی از بهترین فیلمبردارهای سینمای ایران، یعنی علیرضا برازنده را کنار خود داشتم. آقای برازنده بسیار صبور و همراه بودند و ما تمام فیلمنامه را در پیش تولید بر اساس ایده‌های مشترک دکوپاژ کرده بودیم.

فیلمبرداری‌ها در چه لوکیشن‌های انجام شد؟

تمام کار در شهرک سینمایی دفاع مقدس فیلمبرداری شده است. ما یک زمین کاملاً خالی برای ساخت دکور انتخاب کردیم و هر چه در فیلم می‌بینید را کاملاً ساخته‌ایم.

برای فیلمبرداری از چه نوع دوربینی استفاده کردید و دلیل انتخاب‌تان چه بوده است؟

من دوست داشتم مکان‌ها یک مکان آخرالزمانی باشد، به همین خاطر به یک زبان زیبایی‌شناسی مشترک با آقای برازنده رسیدیم. انتخاب ایشان برای فیلمبرداری دوربین مینی الکسا بود.

آیا در طول کار، بیسن بازیگران یا عوامل تغییری داشته‌اید؟

من بهترین گروه را داشتم. خداوند خیلی من را دوست داشت. تمام عزیزان انتخاب‌های اول من بودند و با همان‌ها هم کار را استارت زدیم و تا پایان پیش بردیم. گروه ما بسیار همدل و همراه بودند، حتی هنروران کار! بعضی از هنروران به دلیل شرایط جوی فیلم تصمیم می‌گرفتند دیگر نیایند. به یاد دارم خانم مسنی از میان هنروران در یک شب سرد، بسیار اذیت شد و غم می‌زد؛ روز بعد دیدم آمده و از او پرسیدم: چرا آمدید؟ دیشب به شما خیلی سخت گذشت. جواب داد: مادر گفتمم که امشب نیام فیلم این دختر خراب میشه. دیگر خودتان حساب کنید.

در اثر پدیده نوظهور بازیگری هم داشتید؟

یکی از خانم‌های مسن به نام خانم هما شهیدی زاده که در فیلم نقش خانم آذرفکار را بازی می‌کنند. در سن هفتاد سالگی یک بازیگر درجه یک هستند. فهم بسیار خوبی از درام دارند. خانم شهیدی زاده اولین بازی جدی‌شان را در سرهنگ ثریا تجربه کردند.

اثر شما جلوه‌های ویژه بصری و میدانی هم داشته است؟

بله. در بخش میدانی ایجاد باران، خاک و طوفان‌های عراق و در بخش بصری هم بازنمایی بخش‌هایی از اردوگاه اشرف را داشته‌ایم.

اثر شما در چه ژانری قرار می‌گیرد؟

به نظر خودم یک ملودرام سیاسی است. البته ملودرام‌ها معمولاً پایان خوش دارد اما در فیلم سرهنگ ثریا این پایان خوش، همراه با ادامه راه تعریف شده است.

جلیل شعبانی:

نمایش کاملی از استبداد سیاسی و عواطف خانوادگی

با توجه به اینکه لیلی عاج اولین کارگردانی خود را در سینمایی بلند تجربه می‌کند، چطور همکاری‌تان شکل گرفت؟

سرهنگ ثریا در ابتدا نمایشنامه‌ای به قلم لیلی عاج بود که در صحنه تئاتر هم اجرا شده بود، این نمایشنامه با تحقیقات مفصلی از خانواده‌هایی که سال‌ها پشت درب‌های بسته اردوگاه اشرف منتظر فرزندان‌شان هستند شکل گرفته بود. روایت این فیلم برگرفته از داستان دراماتیک مادری است که در انتظار فرزندش می‌سوزد. این نمایشنامه قابلیت تبدیل شدن به سینمایی بلند را داشت، از این‌رواز کارگردان خواستم این اثر را به فیلمنامه بازنویسی کند. در اجرای این نمایش سرمایه‌گذار بودم. نکته قابل توجهی که برایم اهمیت داشت این بود که این اثر بنا بر گزارش‌ها و مصاحبه‌های مستند زیادی که از تک‌تک خانواده‌هایی که عزیزان‌شان در اردوگاه اشرف به سر می‌برند شکل گرفته بود. حقیقتی از یک برهه تاریخی در ایران که نیاز به بازگویی و بررسی آن از یک زاویه جدید بر مبنای روابط انسانی احساس می‌شد.

فیلمنامه بر مبنای چه الگویی ساخته و پرداخته شد؟

نگارش این اثر با مشورت فیلمنامه‌نویسان صاحب‌اثر و خیره‌دار پرورسه‌ای زمان بر اتفاق افتاد.

از چه نهاد یا سازمانی برای تولید فیلم سرهنگ ثریا حمایت گرفتید؟

لیلی عاج از مشاورین هنری هیئت انتخاب سازمان اوج خواست، که اجرای نمایش را ببینند تا در صورت رضایت و همکاری برای حمایت از تولید اثر اقدام کنند. در واقع این فیلم سفارشی از سمت لیلی عاج به سازمان اوج بود که از آن حمایت کنند.

روایت این فیلم درباره چیست؟

ماجرای این قرار است که بعد از سرنگونی دولت صدام خانواده‌ها

برای تشویق فرزندان خود برای خروج و فرار از اردوگاه اشرف، در پشت درهای بسته این اردوگاه مستقر شده تا شوق و انتظار خود را برای در آغوش کشیدن اعضای خانواده خود نشان دهند. تلاش این خانواده‌ها از پشت درب برای رساندن صدای‌شان به داخل اردوگاه، نمایش کاملی از استبداد سیاسی و عواطف خانوادگی بود. این فیلم هم ماجرای خانواده‌ای است که سال‌هاست در پشت درب‌های این اردوگاه به انتظار دخترشان نشسته‌اند.

آیا این فیلم با پیشینه‌ای که از یک واقعه تاریخی دارد می‌تواند به پرسشی از امروز پاسخ دهد؟

بله، معتقدم برای پاسخ دادن به چالش‌ها و مشکلات امروزی، باید گذشته را از ابعاد مختلف بررسی کرد. در این فیلم از زاویه‌ای به مناقین پرداخته شده است که تا بحال این افراد به این شکل نشان داده نشده‌اند. مناققان پیش از این بیشتر به شکل مبارزانی اسلحه‌به‌دست و تروریست نشان داده شده‌اند. در این اثر ابعاد تفکر سرکرده‌های مناققان در ایجاد شکاف‌های ایدئولوژیک و تفرقه‌افکنی در نظام خانواده پرداخت شده است.

لوکیشن اصلی فیلم در کجا بود؟

قبلاً قرار بود به خود پادگان اشرف در عراق برویم، اما به علت تغییراتی که در پادگان اتفاق افتاده بود، این امکان میسر نشد و به همین دلیل در شهر تهران زمینی را فراهم کردیم و در آن بنایی را به شکل پادگان اشرف از صفر تا صد ساختیم و آماده فیلم برداری شد.

ارزیابی‌تان در ارکان عمومی فیلم برای مخاطب عام چیست؟

این فیلم به تناسب اینکه علاوه بر موضوع محوری مناقین، به روابط عاطفی مادر و فرزند با درون مایه عشق می‌پردازد قطعاً با مخاطب عام به خاطر تهییج احساس‌ها و عواطف ارتباط برقرار می‌کند. چرا که قصه جذابی از یک انتظار ممتد و اشتیاق را تصویر سازی کرده است. و از همه مهم‌تر که این موضوع برگرفته از داستانی واقعی است و اتفاق افتاده است.

آیا باز نمودی از این اتفاق تاریخی را در زندگی امروزی دیده‌اید؟

بله، همچنان مشاهده گر هستیم که بعضی از افراد خانواده توسط برخی گروه‌های تروریستی و یا ایدئولوژی‌های تخریب‌گرا مورد فریب قرار می‌گیرند و همین باعث فروپاشی نظام خانواده می‌شود که از مهم‌ترین نظام‌های اولیه زیر ساختی جامعه است و روابط عاطفی خانوادگی آنها در این میان خدشه دار و یا گاهی کاملاً از بین می‌برد.

در روند پیش تولید و اخذ پروانه ساخت، آیا با ممیزی و سخت‌گیری هم مواجه شدید؟

قصه این فیلمنامه بر پایه اسنادی معتبر بود و خوشبختانه با شناختی که از قوانین ساخت و شرایط پردازش ایده در ایران داشتیم، از همان ابتدا اثر را با در نظر گرفتن چارچوب‌های مشخص رایج ارائه کردیم.

آیا همکاری حمایتی با سازمان اوج رضایت بخش بود؟

بله، سازمان اوج تمام قد در کنار این فیلم بود. اما انتظار من این بود که وقتی به سراغ سوژه‌ای می‌رویم که بخش نهفته‌ای از تاریخ ایران را به تصویر می‌کشد، از حمایت‌های دیگر سازمان‌ها و نهاد‌های یگر هم برخوردار شویم که متأسفانه همکاری لازم را با ما نداشتند. چنانچه اگر این همکاری اتفاق می‌افتاد هزینه‌های که صرف پروداکشن این فیلم شد، می‌توانست در بهبود و ارتقا کیفیت کار کمک‌کننده باشد و شاهد اثری با کیفیتی بسیار بالاتر می‌بودیم.

صحبت پایانی:

وقتی پروژه‌ای با این موضوع مهم و استراتژیک در این برهه زمانی ساخته و پرداخته می‌شود نیاز به حمایت سازمان‌های دیگر برای هر چه بهتر انجام شدن کار لازم و ضروری است. امیدوارم بعد از این با در نظر گرفتن موضوعات اینچنینی، هنرمندان ما با مشکلات کمتری برای پرداخت هر چه بهتر روبرو باشند.



گفت و گوی صبا با کارگردان فیلم هناس

تأثیر نقش زنان در زندگی آدم‌های بزرگ

هم به طور کامل نمی‌شویم. ایده از اول همین بود قصد داشتیم یک فیلم زنانه با دغدغه و حال و هوای زنانه بسازیم. اتفاقاً بانوان بیشتر از آقایان با «هناس» ارتباط می‌گرفتند و از این بابت خرسند بودیم. بالاخره ارتباط او با همسر، لطافتش، نگرانی‌ها و تشویش‌هایش نسبت به همسر و فرزندش برای بانوان پذیرفتنی است. ما هم در همه جوانب حرفه‌ای تلاش کردیم یک زنی را که با تمام وجود عاشق زندگی‌اش است و می‌جنگند و تلاش می‌کند تا زندگی‌اش را حفظ کند و در آخر به نتایج والاتری می‌رسد، به تصویر کشیدیم.

به نظر شما بر پایی جشنواره فیلم حوا چقدر در سینما و حوزه زن و خانواده تأثیر گذار خواهد بود؟

حتماً بر پایی چنین رویدادهایی موثر خواهد بود ولی به نظر ما باید برای این فضاها و جشنواره‌ها کارهای فکر شده همراه با زیرساخت‌های ویژه‌ای که نیاز دارند، صورت بگیرد تا تبدیل به جریان شود. من متوجه هستم و جشنواره‌هایی که با رویکرد و موضوعات مختلف برگزار می‌شوند را دنبال می‌کنم. جشنواره‌هایی چون جشنواره فیلم کوتاه تهران و جشنواره عمار، جشنواره صد و ... را دنبال می‌کنم، چنین جشنواره‌هایی یک سبقه و یک پیشینه دارند و جریانی موثر را در جهت دادن فیلمسازان، کشف سینماگران جوان و پرداختن به موضوعات خاص راه‌اندازی کردند، برای دیده شدن تلاش و جشنواره را پررنگ کردند. اگر این زیرساخت‌ها و جریان‌سازی‌های موثر برای جشنواره بین‌المللی فیلم حوا نیز اتفاق بیفتد قطعاً این رویداد هم اتفاق خیلی خوبی است اما اگر بر پایی این جشنواره صرفاً پر کردن یک گزارش عملکرد یا کارتابل باشد، فایده‌ای ندارد. امیدوارم جشنواره حوا شروع جریان‌سازی باشد و روی آن به خوبی تمرکز گذاشته شود و جریانی باشد که به زن در سینما بیشتر توجه شود. مریلا زارعی، بهروز شعبی، وحید رهبانی، سیاوش طهمورث، سولماز غنی، امین میری، علیرضا نایینی و کوثر حیدری در فیلم هناس به ایفای نقش پرداخته‌اند.

دیگر عوامل این فیلم سینمایی عبارتند از مدیر فیلمبرداری: مجید گرجیان، چهره‌پرداز: سیامک احمدی، طراح صحنه: بهزاد جعفری، طراح لباس: سوسن نوروزی، تدوین: سیاوش کردجان، صدابردار: امیر شاهوردی، صداگذار: آرش قاسمی، موسیقی: فردین خلعتبری، جلوه‌های میدانی: آرش آقاییگ و جلوه‌های بصری: محمد لطفعلی.

پگاه زارعی - «هناس»، فیلم سینمایی که این بار در سانس اول روز پایانی جشنواره بین‌المللی حوا به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفا روی پرده می‌رود. فیلمی که بیش از آنکه اثری درباره زندگی پر تلاطم یک دانشمند هسته‌ای برای رسیدن به موفقیت باشد، به زندگی زنی می‌پردازد که بیش از هر چیز نگران خانواده‌اش است. «هناس» پیش از این در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و پس از آن در سینماهای کشور اکران شد و روایت بخش‌هایی از زندگی شهید داریوش رضایی نژاد است. به همین منظور خبرنگار صبا با حسین دارابی کارگردان این اثر سینمایی به گفتگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

علاقه‌مندم محوریت نقش زن را در «هناس» از زبان خودتان بشنوم.

فیلم «هناس» کاملاً درباره نقش زنی است که همسرش در موقعیت پیچیده کاری قرار دارد و کم‌کم کارش مورد حساسیت قرار می‌گیرد و کار همسرش امنیتی می‌شود و به تبع زن با چالش‌هایی مواجه می‌شود. همچنین رفته رفته شاهد همراه شدن زن با همسر هستیم و در آخر همسو شدن زن با همسر را می‌بینیم که بالاخره تمام ماجراها به شهادت همسر می‌انجامد ولی خب آن زن کاملاً مقاوم در کنار همسرش می‌ایستد و در آخر هم راه خودش را در جهت بهبود وضعیت ادامه می‌دهد. نقش زن در «هناس» زندگی سختی دارند و همسر هم ناراحت و ناآرام است اما وقتی زن کنارش قرار می‌گیرد و مرد از همسرش مطمئن می‌شود، هر دو وارد فصل جدیدی از زندگی و با همه تلاش‌ها وارد فصل آرام و خوبی می‌شوند. انگار که هر وقت زنی همراه همسرش قرار بگیرد رنگ و لعاب زندگی عوض می‌شود در صورتی که مسیر همان مسیر قبلی است. نقش زنان در زندگی آدم‌های بزرگ خیلی موثر است.

نقش زن و اهمیت به آن در سینما چقدر پررنگ است؟

مسئله نقش زن اهمیت بالایی دارد و در سینمای ما نیز درباره زن آثار کمی ساخته نشده است اما در برخی موقعیت‌ها نگاه خوبی روی زن‌ها نبوده است و به یکسری از زنان کشور ما که تعدادشان هم کم نبوده، پرداخته نشده است. زنانی که با توجه به موقعیت حساس شغلی همسرشان سال‌ها صبر و تحمل کردند، آن‌ها حتی همسران‌شان شهید شدند اما باز هم روحیه خود را حفظ کردند، ایستادند و بچه‌های‌شان را بزرگ کردند و سعی کردند موثر باشند. چنین بانوانی حتی فرزندان‌شان را نیز به جبهه‌های جنگ دادند و بدون بازگشت آن‌ها و دوری از عزیزان‌شان زندگی کردند و تحولی موثر را رقم زدند. حتی زنان دیگری را در جامعه داریم که با هر تلاشی زندگی خود را ساختند و کارهای اقتصادی انجام دادند و کارآفرینی کردند، حتی این زنان بدون همسر در شرایط سخت و استان‌های دور کم‌نیاورند. خیلی از آن‌ها را می‌شناسم و درباره برخی دیگر شنیده‌ام. همچنین زنانی که در جنگ پست‌های مهم داشتند و کارهای موثر انجام می‌دادند و زنانی که موثر بودند و ... همه این‌ها سوژه‌هایی هستند که می‌توان به آن‌ها پرداخت و می‌توانند در سینما نقش‌های پررنگ‌تری داشته باشند. البته در سال‌های اخیر بیشتر به این موضوعات زنان قهرمان می‌پردازند اما باز هم باید به این افراد بیشتر پرداخته شود. امیدوارم از زن‌ها نقش‌های موثرتری ساخته شود و این جرقه‌هایی می‌خورد تبدیل به اتفاقات بزرگ‌تری شود و آثار بیشتری تولید شود.

جدای از فیلمنامه که روی شخصیت محوری زن تمرکز دارد، برای پرچستنه کردن نقش زن در کارگردانی، دکوپاژ، قاب بندی و ... چه تمهیداتی اندیشیدید؟

همانطور که عرض کردم «هناس» درباره قصه‌های خانواده و زن است. دوربین ما و همه فیلم از زاویه دید شهره پیرانی با نقش آفرینی مریلا زارعی روایت می‌شود و ما دائماً در کنار او هستیم. «هناس» فقط چند سکانس کوتاه و اندکی دارد که کاراکتر شهره پیرانی در آن حضور ندارد و فقط و فقط از زاویه او قصه را روایت می‌کنیم و حتی وارد زندگی کاری همسرش

گوهری در صدف سینمای ایران

گوهر خیراندیش یکی از چهره‌های شناخته شده در سینما و تلویزیون است که نزدیک به نیم قرن از عمرش را در راه فرهنگ و هنر این مرز و بوم صرف کرد. این بانوی هنرمند نقش‌های زیادی را در سینما، تلویزیون و تئاتر ایفا کرده است و جوایز متعددی در جشنواره‌های مختلف دریافت کرده است. او متولد شیراز است و بازیگری‌اش از دوران راهنمایی با تئاتر و در پی آشنایی با جمشید اسماعیل‌خانی شروع شده است. گوهر درباره بازیگری معتقد است: آدمی نمی‌داند که چه زمانی بازیگر می‌شود و چه زمانی نمی‌خواهد بازیگر باشد اما به دلیل اینکه اسماعیل‌خانی به مدرسه من آمد و در دبیرستان برای ایفای یک نقش مرا انتخاب کرد، بازیگری در زندگی من شروع و ادامه یافت، نمی‌دانم شاید اگر او به دبیرستان من نمی‌آمد من رشته دیگری را انتخاب می‌کردم و سرنوشتم به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. جمشید اسماعیل‌خانی پس از آسمانی شدنش در کلام گوهر همچنان زنده است. یکی از ماندگارترین قاب‌های جشنواره فجر زمانی است که گوهر در هنگام دریافت سیمرغ بلورین، آن را با چشمانی اشکبار به جمشید تقدیم و با یادی از او جای خالی‌اش را برای همه ما سبزه کرد. درخشش بیش از پیش گوهر خیراندیش اما با فیلم «بانو» شاهکار داریوش مهرجویی اتفاق افتاد. در این فیلم خیراندیش ایفاگر نقش هاجر بود، زنی با صورت کاملاً سوخته! او درباره فیلم «بانو» در خاطراتش گفته است: جالب است بدانید که من در این نقش اصلاً به دنبال زیبایی نبودم و سعی می‌کردم زشت‌تر شوم؛ زیرا باید صورت سوخته، موهای وزوزی و دندان‌های زرد می‌داشتم. داریوش مهرجویی وقتی گرم را دید خوشش آمد. یادم می‌آید عکس گرم را روی دیوار زده بودند و زنده‌یاد جمشید اسماعیل‌خانی وقتی عکس را دید به مهرجویی گفت «گوهر خیلی زیبا است و نمی‌توانید او را زشت کنید!» سرانجام فیلم «بانو» نقطه عطفی در کارنامه هنری خیراندیش شد و تندیس بهترین بازیگر جشن خانه سینما را برای این بانوی هنرمند به ارمغان آورد.



گفت و گوی صبا با کارگردان فیلم «هیچ کس منتظرت نیست»

طر د شدگان همیشگی در جامعه!

کمپ ترک اعتیاد بانوان، بازخورد این نمایش در میان این مخاطبان طوری بود، که خودمان هم به شدت تحت تاثیر قرار گرفتیم، سکانس های نهایی این فیلم، تصویری دارد که باعث شد، بانوان این مرکز به صورت دسته جمعی و بلند بلند گریه کنند. با دیدن این صحنه من در ابتدا ناراحت شدم از اینکه نکند این فیلم به زخم های کهنه این دوستان نمک پاشیده باشد اما در ادامه و با دیدن انرژی که در محیط اتفاق افتاد متوجه شدم، فیلم هیچ کس منتظرت نیست، تلنگری است برای معتادان که بخواهند شرایط را برای خودشان تغییر دهند.

نمایش در میان مسئولین چطور؟ آیا به آنها هم تلنگری زده است!

بله خوشبختانه، چند اتفاق مثبت هم تا بحال رقم خورده است، بطور مثال خانم سپیده علیزاده که همکاری دلسوزانه ای با ما در تهیه این فیلم داشتند، موفق به تمدید مجوز مرکز ترک اعتیاد خود نشده بود، که نمایش فیلم در وزارت دفاع مسبب شد، مشکل مجوز مرکزشان رفع شود.

ارتباط گیری مخاطب عام با سینمای مستند چگونه است؟

شاید دور از ذهن بیاید، اما خیلی خوب، اکران فیلم هیچ کس منتظرت نیست در مشهد سالن ۵۰۰ نفره را با بلیط فروشی پر می کرد، قرار ما بر ۱۰ روز اکران بود که با توجه به استقبال تمدید شد. در نهایت هم سینمادار پس از اکران با بنده تماس گرفته و تشکر کرد. نمونه واضح تر اینکه اشخاص کارتن خواب هم به تماشای این فیلم نشستند، در ابتدای فیلم، سکانسی ترکیبی از موسیقی و رقص دارم، یادم هست در هنگام نمایش این صحنه دوستان کارتن خواب با این صحنه به وجد آمده و همراه با ریتم فیلم دست می زدند، در ادامه در اواخر فیلم هم، یک سکانس ترکیبی موسیقی و رقص مشابه سکانس آغازین دارم، اما این دوستان به قدری درگیر و تحت تاثیر مستند شده بودند که دیگر دست نزده و در سکوت به تماشا نشستند بودند.

ساختار مستند داستانی تک قصه است، و با همزمان چند روایت را پیش می برد؟

این مستند، روایت موازی از داستان زندگی چند نفر است. که ضمن روایت کردن قصه های واقعی این افراد، راه حل ها و چالش های یک بیمار تار سیدن اش به ترک و زندگی دوباره را به تصویر می کشد. این فیلم نشان می دهد ترک اعتیاد برای کسانی که در این سراسر شیبی به ته خط رسیده اند، هر قدر هم سخت اما با انگیزه و صبر زیاد شدنی است، و بازگشت شان به کانون خانواده و جامعه امکان پذیر است.

ساخت این مستند، مستلزم همکاری از گان های مر تبط و بیماران معتاد بود، این همکاری از هر دو سو چگونه بود؟

خدا را شکر خیلی خوب بود، من برای ساخت این اثر موفق شدم وارد مرکز ترک اعتیاد بانوان شوم که ورود به آن ممنوعیت ها و محدودیت های خاص به خود را داشت و از سمتی به پاتق های اصلی مواد رفته و بدون خط قرمز کار کردم. فیلم ما نیازی به نهادی مانند نیروی انتظامی نداشت، گشت های ما در مناطق غیر قابل ورود و آسیب دیده با همکاری و کمک خانم علیزاده اتفاق افتاد و از اعتماد و اطلاعات او برای به تصویر کشیدن وقایع عینی این مناطق استفاده کردیم با این حال در طول کار، در چند گشت زنی به ما حمله شد که تیم همراه توانستند فضا را کنترل کنند. چند بار نزدیک بود دوربین ما را خرد کنند با وجودی که من تجربه مستندسازی در میان طالبان را هم دارم اما گاهی در حین تصویربرداری این مستند با وقایع و فضاهای مواجه شدم که قابل وصف نیست.

مرارتی غیر قابل وصف ترک کرده و وارد یک زندگی جدید و سالم می شوند. ولی جامعه متاسفانه با ذهنیت بسته خود، کماکان آن ها رانمی پذیرد!

پس مخاطب شما، در نام گذاری این فیلم معتادانی هستند که با وجود تغییر روند زندگی خود متاسفانه در جامعه کسی آن ها رانمی پذیرد و همچنان با عینک بدبینی، به آنها نگاه می کند!

بله این معضل بسیار بزرگی است، و شاه کلید بحث ترک اعتیاد است. شهرهای بزرگ در جهان و ایران، سخت درگیر این بیماران در سطح شهر هستند، اما از درک راه حل و شاه کلید رهایی این افراد از دام اعتیاد اطلاعی ندارند. این افراد علاوه بر آسیب هایی که به خود می زنند، برای جامعه نیز خطر ساز می شوند. پس لزوم شناخت راه حل برای خروج این افراد از دام اعتیاد بسیار ضروری است. از نظر من شاه کلید رهایی آنها ابتدا ایجاد انگیزه برای بازگشت شان به زندگی است و سپس پذیرش آن ها که توسط خانواده و جامعه باید صورت پذیرد. البته اقدام های ارزشمندی در این زمینه انجام شده است، مثلاً یک سری کارخانه ها در ایران هستند که فقط کسانی را استخدام می کنند که دارای سوء سابقه هستند. در مقابل پرورسه دستگیری معتادان و به زندان انداختن شان یک دور عاقل و باطالی است که جز هزینه و تشدید بزهکاری عایدی دیگری ندارد.

مخاطب هدف تان در این فیلم چه کسانی هستند؟

خیلی ها، اما مسئولین تصمیم گیرنده در اولویت هستند، در سطوح بعدی همکاران مددجو که در این مسیر فعالیت می کنند. در تجربه اکران مشهد که این فیلم داده شد و بازتاب خوبی داشت. اما باز هم راس هرم مخاطب این فیلم همان مسئولین تصمیم گیرنده و پژوهشکده های هستند که در حوزه اعتیاد تحقیق می کنند. چرا که خوشبختانه من در این فیلم با داشتن یک دوربین صادق توانسته ام به سوژه های مورد بحث بسیار نزدیک شوم.

در کدام مناطق برای ضبط تصاویر حضور پیدا کردید؟

مناطق در مرکز و اطراف تهران، مانند شوش، خلایق، اتوبان های کناری منطقه ۱۸، حتی در برخی موارد کانال های فاضلاب شهری، در کل هر جایی که برای این افراد تبدیل به پاتق شده بود.

تماشای این فیلم، برای کسانی که خودشان درگیر اعتیاد هستند چطور! آیا در ایجاد انگیزه و تحول شان کار ساز است؟

تجربهای داشتیم از نمایش این فیلم، در

مستند سینمایی «هیچ کس منتظرت نیست» به کارگردانی و تهیه کنندگی محسن اسلامزاده، محصول مرکز مستند سوره است. فیلمبرداری این اثر را علی محمد خانیکی و سلمه اربابون تدوینگری آن را به عهده داشته است. این مستند درباره مرکز نگهداری زنان کارتن خواب و معتاد در میدان شوش تهران است، شخصیت های محوری آن سپیده علیزاده و یکی از مددجویان سابق اش به نام مونا است که در کنار موضوع اصلی و پرداختن به شخصیت این دو، به قصه هایی از زنان کارتن خواب و بهبود یافتگان اعتیاد و معرفی الگوهای درست در توانبخشی این افراد می پردازد. «هیچ کس منتظرت نیست» پیش از این در چهلمین جشنواره فیلم فجر و پانزدهمین جشنواره بین المللی «سینماحقیقت» حضور یافته بود که موفق به کسب جایزه ویژه بهترین فیلم مستند از نگاه داوران ناجی هنر در بخش ملی جشنواره «سینماحقیقت» شد.

محسن اسلامزاده: دوربین من با مخاطب صادق است.

محسن اسلامزاده فیلم ساز متولد ۱۳۵۹، اهل مشهد است، که در زمینه مستندسازی به ویژه در مناطق بحرانی و جنگ زده فعالیت دارد، او پس از کودتای لیبی و سرنگونی حکومت معمر قذافی به لیبی رفت و «سراز زندان ابوسلیم» را ساخت. مستند «تنها میان طالبان» او نیز جایزه بهترین فیلم بلند مستند را از چهل و چهارمین جشنواره فیلم و ویدئو آن در سال ۱۳۹۶ گرفت. در این کار، او این فرصت استثنایی را یافت که با رهبران طالبان دیدار گفت و گو کند. او در سال ۱۳۹۴، هنگام ساخت اثری درباره گروه های تروریستی در شهر «تکریت» عراق، توسط داعش مجروح شد.

در ابتدا بگویند که در فیلم هیچ کس منتظرت نیست، چه کسی است که هیچ کس منتظرش نیست؟

ما بعضی انسان ها را زبانه های اجتماعی می دانیم که گویی هیچگاه قابل نجات دادن نیستند، چنان که مرده اند و دیگر منتظرشان نمی مانیم. یکی از چالش های بزرگ این فیلم کسانی هستند که در بحث اعتیاد به ته خط رسیده اند، و غریب به ۲۰ الی ۳۰ سال درگیر هستند و زندگی را با کارتن خوابی در پاتق های مواد مخدر می گذرانند مردم خیال می کنند این گروه اجتماعی، قابلیت بازگشت به اجتماع را ندارند! ولی بین اینها کسانی هستند که با یک انگیزه و کورسویی از نور و روشنایی، زندگی گذشته خود را با



چهارشنبه و پنجشنبه ها
۲۲:۱۵ | شبکه یک سیما
 تکرار دو قسمت جمعه ها بعد از خبر ۲۱

تکلیف کشنده: جنتی فرآورده
 کارگردان: سوزان مهرزاده



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: جام جم برترنا
توزیع: نشر گستر امروز



نقش زنان در سینمای دهه نود

زن، خانواده و سبک زندگی ایرانی - اسلامی

عباسی، پرپوش نظریه، پانته آ بهرام، شبنم مقدمی و... مولودرام‌های خانوادگی بویژه با محوریت کاراکترهای زنان در میان تولیدات سینمای ایران و جهان، مخاطبان و علاقه‌مندان فراوان دارند و چنانچه این قبیل آثار با نگاه پژوهشگرانه، وفادارانه و هنرمندانه، موضوع‌ها و مضامین خود را از زندگی و مناسبات خانواده‌های ایرانی، به درستی گزینش و چیدمان کرده و به رخدادها از دریچه آسیب‌شناسی با رویکرد سازندگی نگریسته باشند و تخریبگر مناسبات زندگی خانواده‌های ایرانی که با فرهنگ و باورهای ایرانی و اسلامی عجین است، نباشند و از نظر ساختار اتماتیک و واقع‌گرایی دارای شخصیت پردازی‌های باور پذیر بوده و تلخی‌ها و شادی‌ها را در کنار یکدیگر به نمایش در آورند و امید و ایمان و فردای بهتر در آن‌ها ترسیم و تصویر شود، سینمای ایران و فیلم‌های ایرانی به میان خانواده‌ها رفته و مانایی خواهند یافت. به امید احیا و شکوفایی سینمای بالنده و درخشان ایران که از میان زندگی و فرهنگ و اعتقادات ایرانیان عبور کرده و به درخشش می‌رسد. سینمای ایران، هنرمندان دانش آموخته، مستعد و توانا و همچنین مدیران فرهنگی دلسوز، فراوان دارد و مخاطبان سینما و هنر و سینما دوستان، بخصوص خانواده‌ها خواهان تماشای آثاری هستند که به جای انعکاس زندگی غیر ایرانی، از ایران و ایرانی و خانواده‌های ایرانی نشان و هویت داشته باشند. تولید ده‌ها فیلم خانوادگی در دهه نود، گویای قابلیت‌های بالای هنرمندان و سینمای کشور است که می‌شود و می‌تواند با نظارت و حمایت و هدایت کارشناسانه به قله‌های افتخار دست یابد. هنوز و همچنان جایگاه آثار تماشایی و تاثیر گذار درام‌ها و مولودرام‌های استاندارد و جذاب و با محتوای خانوادگی و نمایش سبک زندگی ایرانی و اسلامی و ارائه تصاویر شکوهمند از عزت و وقار زنان و مادران و همسران و دختران در سینمای ایران خالی است و اجرایی شدن آن‌ها به عزم و ایمان و امید و تخصص و دلسوزی و استمرار و برنامه‌های کاربردی نیاز دارد که لازم است سینمای جمهوری اسلامی به آنها مجهز شده و علاوه بر ایرانیان، جهانیان را با محتوای انسانی و اخلاقی و الهی و امیدوارانه خود، مخاطب قرار دهد.

و سوز‌های خانوادگی و استقبال مخاطب از یکسو و تبلیغ و ترویج و حمایت متولیان سینما از تولیدات خانوادگی خاص! از دیگر سو، انگیزه برتری کمی فیلم‌های خانوادگی بود، اما مساله اصلی اینکه، آنچه در اغلب این فیلم‌ها به تصویر درآمده بود، دغدغه‌های مهم خانواده‌های ایرانی نبودند و مسائلی مانند؛ فمینیسم، تلخی و سیاهی، ناامیدی، خانواده ستیزی، عصیان و طغیان جوانان و زنان، تنهایی و خیانت و بزه و خلاف و عاشقانه‌های ناکام، محتوای آنها را تشکیل می‌دادند. با این حال گاه فیلم‌های قابل‌هم در این میان ساخته شدند که نگاهی آسیب شناسانه به خانواده‌ها و زنان و دختران داشتند. از همین رو، مولودرام‌های زنانه و خانوادگی در این دهه، جلوه‌های بیشتر داشتند. در این برهه، پوران درخشنده با فیلم هیس دخترها فریاد نمی‌زنند و تهمینه میلانی با فیلم آتش بس و نرگس آبیاری با فیلم‌های شیار صدوچهل و سه و شبی که ماه کامل شد و سینماگران جوانی مانند ناهید حسن زاده، آیدا پناهنده و رقیه توکلی دیده شدند.

برخی فیلم‌های تماشایی خانوادگی و زنانه دهه نود عبارت بودند از: برف روی کاج‌ها، قصر شیرین، بمب، وارونگی، جهان بامن برقص، لاک قرمز، ناهید، زندگی خصوصی، عرق سرد، رخ دیوانه، ابد و یک روز، بیست و یک روز بعد، آتش بس، اسب سفید پادشاه، سربه مهر، متری شش و نیم، یه حبه قند، شنای پروانه، نفس، حوا، مریم، عایشه، خسته نباشید، آن سوی ابرها، خورشید، زمانی دیگر، اشغال‌های دوست داشتنتی، ماهی و گربه، جان دار، اتاق تاریک و... کارگردان‌های مطرح فیلم‌های خانوادگی این دهه هم شامل؛ سروش صحت، مجید مجیدی، پوران درخشنده، نرگس آبیاری، هومن سیدی، سعید روستایی، محمد حسین لطیفی، مصطفی کیایی، احسان عبدی پور، علی مصفا، شهرام مکرری، وحید جلیلودن، نیما جاویدی، رضا میرکریمی و... می‌شدند. بازیگران زن این سال‌ها و فیلم‌های خانوادگی وزن محور دهه نود عبارت بودند از: مهناز افشار، ویشکا آسایش، نگار جواهریان، طناز طباطبایی، مریلا زارعی، فاطمه معتمدآریا، لیلا حاتمی، الناز شاکر دوست، پریزاد ایزدیار، لادن مستوفی، مینا ساداتی، ساره بیات، گلاره

جبار آذین / منقد و مدرس سینما - دهه نود هم از راه رسید و کلیدداران هم آمدند و مشغول بازی قفل و کلید شدند، عجیب اینکه، کلیدهای رنگ زده آن‌ها هیچ قفل رنگ زده‌ای را باز نکرد. کلیدداران، کلیدهای خود را بر امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، گماردند و جالب آنکه، اغلب کلیدها ناکارآمد بودند، از جمله کلیدهای فرهنگ بویژه سینما که همه چیز را با ندانم کاری و نداشتن سواد سینمایی و فرهنگی، بهم ریخت و ولنگاری فرهنگی و بی سر و سامانی سینمایی به اوج خود رسید؛ مافیای اکران، قدرت گرفت و راهزن اکران سینما شد، پول شویان، راهی سینما شدند، جشنواره بین‌المللی فیلم فجر که حاصل زحمات پیشینیان و جشنواره‌های معتبر و آبرومند بود، به دو تکه جشنواره فیلم فجر و جهانی فجر، تقسیم شد.

تولید فیلم‌های بی محتوا و بازاری، رونق گرفت، محتوا در آثار سینمایی به حاشیه رانده شد. اهالی سینما، متفرق تر و خانه سینما، سیاسی و تجاری تر شد و در یک کلام، دستاوردهای سینما در معرض نابودی قرار گرفت و بر میزان ناامیدی زنان و مردان سینماگر و دور شدن سینما از ارزش‌ها و فرهنگ و زندگی مردم، افزوده شد. با این همه، به ظاهر همه چیز عادی می‌نمود، ولی این فقط ظاهر آن بود و از درون تهی می‌شد. در این دوران، سینماگران ارزشمدار، در عسرو حرج بودند و دولتی‌ها و وابستگان آنها، یکه‌تازی می‌کردند. در دهه نود، با تمام مشکلات، شمع سینما هنوز روشن بود و سینماگران زن و مرد به سینما می‌پرداختند و فیلم هم ساخته می‌شد. اما این سینما، دیگر مردمی نبود و خانواده‌ها از آن استقبال نمی‌کردند. با وجود تاکید مسوولان و مردم بر ترویج زندگی سبک ایرانی و اسلامی، سینما و مدیران آن، بی‌اعتنا به این نیاز و خواسته، راه خود را می‌رفتند و کار خود را می‌کردند و نتیجه این انحراف‌ها و کجروی‌ها در تمام عرصه‌های جامعه و فرهنگ و سینما، عزل کلیدهای اشتباهی بود. نکته مهم در خصوص دهه نود سینما، این است که، به دلیل تولید چندین فیلم خانوادگی و درام‌های زنانه، این نوع آثار در اکثریت قرار داشتند و سینمای دهه نود در اختیار فیلم‌های خانوادگی بود. گسترده‌گی و تنوع مضامین



به زودی در سینماهای سراسر کشور

EXPEDENCY

حسین دارابی
محمدرضا شفا

فرهاد قالیچیان
وحید رحمانی
مهدی حسینی
مجید نوروزی
امیر نوروزی
نازنین قره‌مانی

